



سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Email: shararehzeaei.p@googlemail.com  
Managing editor: Sharareh Rezaei

## عناوین

- مبارزات زنان چه تاثیری در تحولات اجتماعی در ایران دارد؟  
آرزو حسینی
- تاثیر زمینه های نژادی و مذهبی بر زندگی دانشجویان اقلیت در ایران  
سعید محمدی
- جنبش زنان و مصاف های پیش رو  
شادی مطیعی
- زنان سرپرست خانوار  
مژگان حاصلی
- و فرق بین انسان ها  
سحر باباسلجی
- خرافات یکی از عوامل اصلی که باعث ویرانی ایران شده  
نیما موسوی
- صفحه اجتماعی: جهان زنان، طرح دورکاری رژیم اسلامی برابر است با خانه نشین کردن زنان  
صفحه خبری
- مشخصات و ارتباط با رهایی زن و فرکانس بخش برنامه رهایی زن

- شادباش نوروزی- سازمان رهایی زن
- گزارش هایی از برگزاری 8 مارس همراه عکس توسط سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف:
- کونتبرگ- استکهلم سوئد
- شهر استاوانگر
- نورز- اسلو
- آلمان- شتونگارت
- هننت مارس سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی زنان
- در دفاع از کودکان دختر امروز و زنان فردا!
- سووسن بهار

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگوئی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگوئی به این نظرات کوشا باشند.

مینو همتی

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی و..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به

Markazi@RahaiZan.org

آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.





## گزارشی از برگزاری 8 مارس روز جهانی زن – سازمان رهایی زن

برنامه ویژه روز جهانی زن در گوتنبرگ و استکهلم سوئد

March 8 International Women's Day special programming

-Link Youtube

<http://www.youtube.com/watch?v=r4ISIpX4Y0M>





فریبا رشیدی در روز ۸ مارس ۲۰۱۴ شهر استوانگر

در روز ۸ مارس به همراه تظاهرات در شهر استا وانگر جمعی از فعالین رهایی زن ضمن شرکت در تظاهرات این روز را گرامی داشتند. فریبا رشیدی در این روز گزارشی از مراسم ۸ مارس برای تلویزیون رهایی زن تهیه کرده، در این مراسم بیانیه سازمان رهایی زن به فارسی و عمدتاً انگلیسی در میان مردم پخش گردید که مورد استقبال قرار گرفت. فریبا رشیدی به همراه مصاحبه برای تلویزیون رهایی زن آماده کرده است. توجه شما را به لینک زیر جلب میکنم،

<https://www.youtube.com/watch?v=i1cE4yTIlb0>

روز جهانی زن بر تمام ازادی خواهان مبارک باد،  
رهایی زن معیار رهایی جامعه است،

Fariba rashidi , 8 mars 2014 Stavanger , Norway





**گزارش 8 مارس در کشور نروژ شهر اسلو**

تظاهرات روز جهانی زن طبق روال سالهای قبل در میدان یونگ تورگه ی شهر اسلو برگزار شد که جمعیتی بیش از ده هزار نفر در آن حضور داشتند. شرکت کنندگان از احزاب و گروههای نروژی و سایر کشورهای دیگر بودند. که همه خواستار آزادی زنان و برابری زن و مرد بودند.

از طرف کمیته ی برگزارکننده ی سازمان رهایی زن شادی مطیعی و روپاک مطیعی فراخوانی به مناسبت 8 مارس داده شد. که بسیاری شکوه برگزار شد. و مورد استقبال زیادی قرار گرفت

به همین مناسبت اطلاعیه ها و پوسترهای زیادی از طرف سازمان رهایی زن و توسط شادی مطیعی و روپاک مطیعی به دوزبان انگلیسی و فارسی در بین شرکت کنندگان نروژی زبان و فارسی زبان برای حمایت و پشتیبانی زنان داخل ایران که در مقابل قوانین اسلامی زن ستیز مبارزه می کنند پخش شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

**شادی مطیعی- روپاک مطیعی**





تظاهرات روز جهانی زن طبق روال سالهای قبل در میدان شلوس پلاتز شهر شتوتگارت آلمان از طرف گروه ها و احزاب و سازمان های مختلف چپ، سازمان رهایی زن، گروه چپ زنان کوراز، زنان کرد و ترک و ....  
بیانیه ای از طرف سازمان رهایی زن به فارسی و آلمانی توسط شراره رضایی خوانده شد و همچنین گروه هایی مختلف با قرائت بیانیه هایی این روز را گرامی داشتند و همچنین به مشکلات زنان در کشورهای اسلامی و خصوصا کرد نشین پرداختند. و در آخر همراه با موسیقی و رقص و پایکوبی زنان کرد به پایان رسید.

شراره رضایی







**هشت مارس سمبل  
آزادخواهی و برابری  
طلبی زنان**

**روپاک مطیعی**

معامله ای را با او انجام دهد. زنان اجتماع ما بر بدن خود نیز اراده ای ندارند. هر چه هستند و دارند در خدمت نظام کهنه و ضدانسانی مرد سالاری میباشد. نظام موجود هر روز به عنوان مختلف سعی در به حاشیه راندن زنان و سرکوب خواسته های رادیکال و انسانی آنان دارد. تصویب قوانین ضد زن در ایران تحت حاکمیت اسلام نمونه بارز این تعرض میباشد. هراس حاکمیت از به میدان آمدن زنان برای پس راندن قوانین ضد زن و تبدیل شدن این جنبش در بر زیر کشیدن دم و دستگاه ارتجاع اسلامی، حاکمان در قدرت را به تکاپو وا داشته تا صدای هرگونه آزادخواهی و برابری طلبی زنان را به وحشیانه ترین شکل موجود سرکوب نماید. تصویب قانون چند همسری، نداشتن حق طلاق، حق حضانت فرزند و خیلی موارد دیگر نمونه های از این تعرض میباشد که رژیم اسلامی علیه زنان مورد استفاده قرار میدهد.

در دنیا امروز کمتر جای را میتوان سراغ داشت که امر آزادی خواهی و برابری طلبی زنان را نه در حرف بلکه در عمل به رسمیت بشناسد. هر کجا که بهر کشی از انسان است، مجال است که زنان مورد ظلم و ستم مضاعف قرار نگیرند. در پیشرفته ترین جوامع تا عقب مانده ترین آنها، بنا بر ماهیت سیستم سرمایه داری که استثمار انسان را بر پیشانی جامعه بشری زده است، همچنان شاهد اجحاف و فرو دستی زنان هستیم. تبدیل شدن انسان به کالا طبق مناسبات تولیدی سرمایه داری و همچنین استفاده از زنان به عنوان ابزاری دیگر در جهت خدمت به بازار عرضه کالاها لکه ننگی است بر پیشانی این جوامع. تاریخ صد سال گذشته شاهد مبارزات این جنبش برای بازگرداندن

حرم و کرامت انسانی زنان بوده است. این مبارزات در ابعاد مختلف توانسته است امید به رهایی و برابری کامل زنان را در مقاطع مختلف به جامعه بازگرداند. در این مبارزات، زنان و مردان آزادخواه به میدان آمده و علیه هرگونه استثمار و تبعیض علیه زنان سنگر بسته اند. جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی زنان به یمن تلاشهای انسانهای مبارز و پیشرو توانست به قامت تاریخ صدای حق طلبی و نه بزرگی به "آپارتاید جنسی" در سراسر دنیا را به گوش همگان برساند. برای احقاق این خواسته ها در طول این تاریخ، جنبشهای مختلفی پا به میدان مبارزه گذاشته اند. هرگونه تلاش برای گسترش جنبش زنان میتواند مفید باشد اما نباید فراموش کرد که برچیدن کلیت ستم به زنان و رسیدن به آزادی و برابری کامل تنها با رفرم کردن میسر نخواهد شد. گرایشهای مختلفی در جنبش زنان موج میباشند که سعی در تعدیل دادن خواسته های رادیکال و انقلابی زنان تحت سنتهای موجود در خود این جوامع هستند. مناسبات فرهنگی و اجتماعی موجود که سعی در تحمیل کردن افکار عمومی دارد تا اعلام کند نا برابری زنان یک داده ذاتی میباشد، که زنان میتوانند در سوخت و ساز جامعه نقش ایفا کنند و تصمیم گیرنده باشند ولی در نهایت این قوانین سرمایه است که تعیین میکند که چگونه این نقش را ایفا کنند. این بدان معنی نیست که قبلا زنان در جامعه بی نقش و طبق فرهنگ رایج تنها مصرف کننده بودند، بلکه بر عکس این ادعا، در طول تاریخ بشریت زنان گام به گام مردان در ساختن تمدن بشری و گسترش جامعه نقش برابری را ایفا کرده اند. در

این فرهنگ زنی که در خانه کار میکند بی تاثیر و بی نقش است، مصرف کننده ای بیش نیست، چونکه منبع درآمد نیست، از لحاظ اقتصادی وابسته به مرد خانه میباشد. حال پدر، برادر یا شوهر تاثیر آنچنانی ندارد.

زنان تاریخا به عنوان "بردگان نهان" در ایجاد دنیای امروز نقش داشته اند و امروز نیاز سرمایه این را ایجاد میکند که زنان را از پستوی خانه ها بیرون آورده و برای سودآوری بیشتر به خدمت بگیرد. شاید این سوال مطرح گردد که این را یک امتیاز مثبت میتوان تلقی کرد. بدون شک کم شدن وابستگی اقتصادی زنان که خود زنان برای رسیدن به آن همیشه در جدال و مبارزه قرار داشته اند بسیار مفید میباشد. اما نباید نادیده گرفت که آیا فرهنگ حاکم که اشاعه دهنده مرد سالاری میباشد نیز تغییر خواهد کرد؟! آیا نظام سرمایه داری از زنان به عنوان ابزارهای جنسی برای فروش و عرضه تولیدات خود استفاده نخواهد کرد؟! بنابراین به این نتیجه میرسیم که سرمایه به نیروی کار بیشتر نیاز دارد و برای رسیدن به این هدف میتواند تمام قوانین انسانی را قربانی انباشت بیشتر سرمایه کند. گرایشی که فکر میکند ادغام شدن زنان در سیستم تصمیم گیری حکومتی میتواند گام مثبتی در جهت تعیین سیاست گذاری باشد بی گمان یک انحراف اساسی در جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی زنان وارد میکند. هنگامی که زنان در حاکمیت خود دست اندکار تصویب قوانینی هستند که ضد انسانی میباشد، قوانینی که ضد زن هستند و خود زنان در اجرای آن نقش ایفا میکنند، پس نه تنها نمیتوانند امر رسیدن به آزادی و برابری در جامعه را محقق

کند بلکه خوددست اندرکار سرکوب این جنبش قرار میگیرند. تمام دستاوردهای جنبش زنان تا به امروز از لطف و مهربانی دولتها و حاکمان نبوده بلکه مبارزه بی وقفه و بی امان خیل عظیمی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلبی بوده که توانستند جنبش زنان را تا به امروز به این مرحله برسانند. آزادی و برابری زنان بدون سوسیالیسم هیچ وقت محقق نخواهد و سوسیالیسم نیز بدون امر آزادی و برابری زنان معنی نخواهد داد. زنان میبایست برای رسیدن به این هدف همگام با طبقه کارگر برای سرنگونی مالکیت خصوصی، مالکیت کالا بر انسان و نظام طبقاتی، علیه استثمار انسان بر انسان صف محکم خود را ببندد. تا زمانی که استثمار انسان وجود دارد، زنان نمیتواند به برابری کامل و آزادی بدون قید و شرط دست یابند. این امر نیازمند رسیدن به این آگاهی میباشد که تنها راه رهایی زنان سرنگونی کامل نظام سرمایه داری و بهر کشی انسان میباشد. /

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

28/02/2014

### پیام کایلابش ساتیراتی دبیر «گلوبال مارش» به مناسبت روز جهانی زن

در دفاع از کودکان دختر  
امروز و زنان فردا!

سوسن بهار

«گلوبال مارش» کتابچه‌ی منابع کارهای خانگی و دستی کودکان، به ویژه دختران، و راه‌های مبارزه و پیش‌گیری و توقف آن را منتشر کرده است.

به مناسبت روز جهانی زن، هشتم مارس، «گلوبال مارش» (رژه‌ی جهانی علیه کار کودکان) بر کار خانگی کودکان دختر و عرصه‌هایی که استثمار دختران در آن بیش‌تر است، تمرکز می‌کند و بر امر مبارزه و مقابله با کار خانگی کودکان دختر پای می‌فشارد و به دفاع از آنان در عرصه‌ی کار پُر مشقت خانگی و

کشاورزی می‌پردازد.

در سطح جهان، یازده و نیم میلیون کودک کار خانگی وجود دارد که از میان آن‌ها اکثریت (هفتاد درصد، هفت و نیم میلیون) را کودکان دختر تشکیل می‌دهند. کودکان دختر به مثابه کودک کار خانگی ساعات بسیار طولانی در روز را به کار می‌پردازند. این کار بسیار سنگین و جان‌کاه در ازای پرداخت دست‌مزدی بسیار ناچیز، به هم‌راه اذیت و آزار روحی و جسمی، انجام می‌پذیرد. بسیاری از این دخترکان توسط باند‌های تجارت انسان، و به دلیل فقر خانواده‌ها-شان که از آن‌ها طعمه‌های خوبی برای استثمار انسان می‌سازد، ربوده یا خریداری شده و در عرصه‌ی کار پُر مشقت خانگی به کار گماره می‌شوند.

کار خانگی کودکان دختر به دلیل خصلت پنهانی‌اش، که در پس دیوارها صورت می‌گیرد، از چشم انظار قایم می‌ماند. این امر را باید به چالش کشید! برای قدم برداشتن در این راه باید قبل از هر چیز، این مساله را در جلوی چشمان مردم گرفت و در تلاشی همه جانبه، از وضع قوانین علیه به کار کشیدن کودکان در این عرصه گرفته تا ایجاد فرهنگ پیش‌رو و مبارزه علیه فرهنگ عقب‌افتاده و رفتارهای غلط اجتماعی که بنا به آن‌ها گویا کار کودکان تحت نام استاد شاگردی کاری «امن» است و برای آینده‌ی آنان و موقع ازدواج به دردشان می‌خورد، قاطعانه ایستاد و در پی از بین بردن این نوع کار پُر مشقت کودکان و به ویژه دختران بود.

به وجود آمدن یک طبقه‌ی متوسط، نیاز به استفاده از خدمت‌کاران خانگی ارزان قیمت و کودکان دختر را افزایش داده است. قاچاق انسان به هم‌راه رشد اقتصادی و اقتصاد در حال رشد در کشورهای سراسر جهان افزایش یافته است. نباید اجازه داد که این امر از چشم مردم پنهان بماند، نباید به این برده‌داری نامرئی اجازه‌ی ادامه‌ی حیات داد. در هر بخشی از جامعه‌ی متمدن، باید با اقدامات چند جانبه برای وضع و اجرای قوانین، برنامه‌های حمایت اجتماعی برای مردم ندار، آموزش رایگان و با کیفیت، و تحریم اجتماعی کامل کارفرمایانی که به استخدام کودکان به عنوان نیروی کار در عرصه‌ی کار خانگی و بهره‌کشی از آنان می‌پردازند، پرداخت.

کتابچه‌ی راهنمای منابع کار کودکان دختر در عرصه‌ی کار خانگی، یک سند جامع در مورد چرایی و چگونگی کار کودکان در عرصه‌ی کار خانگی است. این سند برای جلب حمایت از تمامی نهادهای اجتماعی، اعم از اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های کاری، و سازمان‌های غیردولتی، تهیه شده و همه را به اقدام علیه کار خانگی کودکان و محافظت از کودکان و جوانانی که در این عرصه به کار مجبور شده‌اند، تشویق می‌کند. این دفترچه علیه بهره‌کشی از کودکان در عرصه‌ی کار خانگی، راهنمای عمل خوبی برای حمایت مستقیم از این کودکان و پایان دادن به بهره‌کشی و سوءاستفاده از آنان است و برای دست‌یابی آنان به آموزش و پرورش، طرح‌های حمایت اجتماعی، و برخورداری از حق کودکی، کار مفیدی انجام داده است.

«گلوبال مارش» با تحلیل موقعیت در مورد این مساله و کار خانگی کودکان در اندونزی، پاناما و توگو، که در ماه مارس در حال انجام مبارزات انتخاباتی خود هستند، به امر کار رایگان خانگی کودکان اشاره کرده و فعالیت‌هایی را سازمان داده است.

کتابچه‌ی راهنمای منابع بر اساس این تحلیل، هم‌چنین شامل نمونه‌های مشابه در سراسر جهان و در بخش‌های مختلف است. با تاکید مجدد بر تعهد جهانی هشتم مارس علیه بی حقوقی زنان، برای پایان دادن به بهره‌کشی از کودکان به ویژه در عرصه‌ی کار خانگی، کایلابش ساتیراتی در پیام خود بار دیگر بر کنوانسیون 189 سازمان جهانی کار و تصویب آن به عنوان قانون، تاکید کرد و همگان را به اختصاص مقدار قابل توجهی از منابع مالی کافی برای پیش‌گیری، اصلاح و بازسازی جامعه به نفع کودکان فرا خواند.

برای حمایت از کودکان قربانی کار خانگی، «گلوبال مارش» در ماه آینده با آغاز یک کمپین جهانی، خواستار اجرای کنوانسیون 189 و اقدام علیه کار خانگی می‌شود و به جنگ این وضعیت اسفناک می‌رود.

دست تمامی مذاهب از زندگی مردم و خصوصاً زنان و کودکان کوتاه!





**مبارزات زنان چه تأثیری در تحولات اجتماعی ایران دارد؟**

آرزو حسینی

مبارزه برای استقلال و آزادی به شکل کلی و فردی و رفع تبعیض نژادی برابری جنسی و اجتماعی و زدودن فقر از کشورها و عدالت اقتصادی هدف هر فتنه و گروهی است و این شامل زنان هم بوده و خواهد شد سالها پیش زنان آمریکا و کشورهای اروپایی وضعی اسف بارتر از زنان امروز ما در کشور اسلامی داشته اند محدودیت‌های آنها به شکل توده یی شاید همانند محدودیتها و نادیده گرفتن حق‌هایشان شبیه ما نبوده اما آنها هم به نوبه ی خود درگیر مسائل و مشکلاتی به مراتب سخت تر یا سهلتر بوده اند اما آن زمان زنانی پیشگام شدند و امروز تا حدودی که همه شاهد آن هستیم حقوق خود را گرفته و هنوز هم مبارزاتشان ادامه دارد این مبارزات پایانی نداشته و ندارد و چنانچه روزی از آن غافل بمانیم همان روز فرصتی برای پیشرفت کسانی که میخواهند آن را از ما سلب کنند بوجود آورده ایم در زمان حکومت شاهنشاهی با وجود همه ظلم و زورها و تمامی مشکلاتی که بود و باعث انقلاب شد ، بنا به مصلحت زمانی اقدامات درستی هم شد یکی از این اقدامات از نظر من کشف حجاب و ایجاد بستری مناسب برای رشد و پیشرفت زنان در آن برهه ی زمانی بود و نمیتوان انکار کرد که سرعت رشد و شکوفایی زنان در آن دوران چشمی و بسار عالی بود زنان از کنج خانه ها بیرون آمدند و به اجتماع رسیدند چادرها را پس زدند و پیش رفتند . و مدت بسیار کوتاهی زنان نماینده ی مجلس ، دکتر و سایر مشاغل مهم اداری و... را صاحب شدند ، در این مدت کوتاه یخ سالها انجماد شکسته و آب شد و زنان تازه حقوق خود را شناختند و فهمیدند باید زندگی کنند نه بندگی با کمال تأسف پس از انقلاب اسلامگراها مسیر انقلاب مردمی را به نفع خود چرخانده و انقلاب را تصاحب کردند و همه ی آنچه هک برای آزادی زنان رشته شده بود دوباره پنبه شد ، اما زنان ما دیگر آن زنان بی سواد و مانده در تاریخخانه ها و پشت پستوها نبودند تا تن به چنین اسارت و بندگی بدهند و از همان آغاز انقلاب تا کنون زنان مبارزات خود را چه به شکل مدنی چه سیاسی چه آشکار و چه مخفی دنبال کرده اند و با تمامی توش و توان خود از حقوق و آزادی‌شان دفاع میکنند و حاضر نیستند زیر بار حقارت گذشته بروند ، کم نیستند افراد مرتجع اعم از مرد و زن که میخواهند دوباره زنان را به سوی شرایط بدو اسلام و پیش از کشف حجاب رضا خانی برگردانند حال مسئولیت ما در قبال این موضوع و این تحمیل چیست ؟ آیا باید اسیر دام تبلیغهای اسلامی و سنتی حکومت آخوندی شده و آنچه برایمان رقم میزنند گردن نهیم یا زیر بار ظلم و زور نرفته و سرباز زنیم ، و آیا سرباز زدن از این قضیه تکلیف آسانی است که ما بر خود و زنان دیگر روا میداریم ؟ پاسخ این پرسش را با پرسشی میدهم ! آیا این شیرینتر نیست که حقوق خود را حفظ کنیم و هر خطری را به جان بخریم اما تحقیر نشویم و تحقیر را نپذیریم ؟ یا اینکه برویم و مثل مادر- مادر بزرگهایمان لچکی به سر کرده و در پستوها بیوسیم ؟ من که به نوبه ی خود هیچ تحمیل و اعمال زوری را نپذیرفته و نخواهم پذیرفت و معتقدم یک روز زندگی آزاد به هزار سال بندگی میارزد . /

خواهد بود، چنین دانشجویی به جای اینکه وقت خود را به کسب علم و دانش اختصاص دهد باید به دنبال یافتن راه هایی برای مقاومت در مقابل تبعیضات و کلیشه ها باشد و پس از پایان تحصیلات (اگر تا آن هنگام ترک تحصیل نکرده باشد) به شخصی تبدیل خواهد شد که سرشار از نفرت نسبت به طبقه ی حاکم و شوونیسم شدید آن است . طبیعتاً در ذهن او نیز کلیشه هایی نسبت به نژاد حاکم شکل گرفته . بهترین راهی که به نظر این دختران برای رهایی از این احساسات می رسد تن دادن به ازدواج، خانه داری و شوهر و بچه داری است . بدین صورت دختری که می خواست با تحصیلات و دانش خود نقشی در ساختن آینده ی جامعه اش ایفا کند تبدیل به يك موجود منفعل، خانه نشین و پر از عقده می شود و به تدریج کاملاً از چرخه ی تأثیر گذاری سیاسی و اجتماعی در جامعه اش خارج می شود و این همان چیزی است که جمهوری اسلامی به دنبال آن است، انزوای هرچه بیشتر جامعه، و زنان به عنوان قشر تحت ستم در این جامعه ی مرد سالار بیشترین آسیب را متحمل می شوند . /

کاربرد این واژه عموماً برای اشاره به امور منفی است. تبلیغات منفی حکومت ایران علیه یهودیان ، بهائیان، سنی ها، کرد ها، بلوچ ها، اعراب و ... کلیشه های بسیار منفی ای را بوجود آورده که رهایی از آنها سالها به طول خواهد انجامید . شخصاً به عنوان يك کرد ( با ریشه های مذهبی سنی ) در طول دوران تحصیلم در تهران از نزدیک این مسئله را لمس کردم و بخشی از مبارزاتم که در این زمینه بود سرانجام منجر به اخراجم از آموزش و پرورش شد. تراژدی تبعیض و ستم علیه اقلیت ها در دانشگاه های جمهوری اسلامی زمانی تلخ تر می شود که دانشجوی يك دختر باشد . در جامعه ی مردسالار ایران که بیش از 30 سال تحت سلطه ی يك حکومت مذهبی دیکتاتوری بوده، زن بودن به خودی خود کافیسست تا شخص مورد ستم های بی شمار، هم از جانب جامعه و هم از جانب حکومت قرار گیرد بدون اینکه بتواند فریادش را به گوش کسی برساند . اکنون تصور کنید در چنین شرایطی دختری از يك اقلیت نژادی یا مذهبی وارد دانشگاه شود . چنین شخصی از همان ابتدای مشاهده فشارهای روانی ناشی از تبعیض ها و کلیشه ها

داشته است . از جمله ی این ریشه ها می توان به جدال هزار و چند صد ساله مسلمانان با یهودیان و مسیحیان و همچنین سیاستهای سرکوبگرانه علیه سنی ها و بهائیان در چند قرن اخیر اشاره کرد، که همواره در دستور کار دستگاه های حکومتی، خصوصاً حکومت جمهوری اسلامی، قرار داشته است . این مسایل گاهی در کتابهای مذهبی بیان شده است. مثلاً در منابع شیعه حدیثی از امام ششم شیعیان (جعفر صادق) نقل می شود که در آن کردها را از نسل جن میدان : کرد ها طایفه ای هستند که قبلاً جن بوده و خداوند از آنها پرده برداشته و به شکل انسان در آورده است و معامله ، آمیزش و معاشرت با آنها حرام است . (من لا یحضر الفقیه ، حدیث 3603 و بسیاری منابع دیگر ) و یا در منابع دیگر سنی ها و یهودیان را "نجس" می خوانند و حتی لمس آنها را حرام می دانند! یکی از مهمترین پیامدهای این تبلیغات منفی حکومت، به وجود آمدن قالب های کلیشه ای فکری یا ( stereotype ) نسبت به مذاهب و نژادهای دیگر است .



**تأثیر زمینه های نژادی و مذهبی بر زندگی دانشجویان اقلیت در ایران**  
سعید محمدی

بسیاری از این ستم ها و تبعیض ها ریشه در مذهب و باورهای مذهبی دارد. و از آنجایی که حکومت ایران داعیه ی مذهبی بودن دارد در تمام این سالها سعی در گسترش این باورهای مذهبی و استفاده از آنها در جهت تأمین منافع خود و کنترل مردم



**جنبش زنان و مصاف های  
پیش رو  
شادی مطیعی**

به کارگران زن با نصف حقوق مردان اما کماکام با همان نگرش درجه دو بودن از طرف صاحبان سرمایه و خود جامعه ظلم مضاعف را بر گرده زنان بیشتر تحمیل کرده. نگاه مردسالارانه به زنان در محیط های کار از سر ضعیف بودن قدرت جسمی زنان در قبال مردان، نگاه مردسالارانه در منزل به عنوان مفت خور و بیکاره، و باز در خارج از منزل به عنوان موجوداتی بزرگ کرده که انگار حق این را دارند که در وسط خیابان مورد تجاوز قرارشان دهند.

میخواهم بگویم جنبش زنان در خود نتوانسته تغییر چشمگیری در رویکردها و باورهای غالب در جامعه ایجاد کند و هنوز تبدیل به جنبش به معنای واقعی کلمه نشده است. باورهای القا شده به زنان نیز خود به عنوان مانع و بازدارنده سرراه این جنبش قرار دارد. هستند زنانی که به علت تحقیر و سرکوبی که نسلا بر آنها روا داشته شده در هویتشان تبدیل به باوری غلط و ضد زن گردیده و وضع موجود و احمافی که به آنها میشود را در زن بودنشان که همان ضعیفه، کم عقل، بی اختیار و وابسته برایشان واقعیت محض است و جز این واژه ها با هیچ چیز دیگر خود را تداعی نمیکنند باعث قبول و تمکین به فشارها و نابرابری های میشود که فرهنگ مردسالارانه برای آنها به ارمغان آورده است. هستند هم قشری از زنان که تمام این مصائب و معضلات را با بند بند وجودشان لمس میکنند اما به آن درجه خودآگاهی نرسیده اند که برای رهایی از وضع موجود و جنایتهای که لحظه به لحظه در زندگیشان رقم میخورد باید ایستاد و این جنبش را تبدیل به ظرفی قدرتمند و خلل ناپذیر کنند. همانطور که در بالا هم اشاره کردم زنان نیمی از طبقه کارگر هستند که بخشا یا در چرخه

در کارخانه باهمان هشت ساعت کاری که کارگر مرد کار میکند ولی نصف حقوق یا دو سوم حقوق میگیرد، به زنی که در خیابانها هر روز و هر ساعت به نوعی مورد تجاوز و اهانت و بی حرمتی قرار میگیرد، نسبت به خشونت های خانگی بر علیه زنان و قوانین زن ستیز در جامعه چه مکتوب شده و چه به صورت عرف در اجتماع و قتل و خودسوزی و تجاوزتواند صدای اعتراض و اتحاد بر علیه تمام این دستگاه ارتجاع سرمایه داری و اسلامی باشد و نتواند از تمام بخش های جامعه چه اقتصادی چه اجتماعی خود را به عنوان نماینده بلا منازع زنان و کارگران تعریف کند به طور یقین جنبشی حتی در خود نیز نخواهد بود و سرارنا کجا آباد در خواهد آورد.

گرایش های مختلفی در دفاع از حقوق از دست رفته زنان در فعالیت هستند و هرکدام سعی در جواب دادن به تمام این معضلات پیشروی جنبش زنان را دارند ولی در جواب دادن به خود نیز عاجزند چه برسد به رسیدگی به تمام زوایای مطالبه شده از طرف زنان. این گرایش ها هر کدام از سر منافع ایدئولوژیکی و قومی خود به این مسئله میپردازند از این بابت است که همیشه هشتتشان در گرو نه است. جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان تنها با اتکا به علم مارکسیسم و مبارزه انقلابی طبقه کارگر در راه رسیدن به جامعه سوسیالیستی میتواند آن جنبشی باشد که جوابگوی مبارزات زنان و تمام انسانهای آزادیخواه و برابری طلب باشد.

**زنده با جنبش آزادی  
خواهی و برابری طلبی  
زنان  
زنده باد هشت مارس روز  
جهانی زن**

28/02/2014

مناسبات بازار مشغول فعالیت هستند یا کارگران بی مزد و خانه نشین اند و این حلقه قدرتمند این جنبش میباشد که میتواند بر خواسته های محق و ماگزیمالیستی این جنبش بدون تعدیل در مبارزه رادیکالشان پیوند ناگسستنی ایجاد کرده و دوش به دوش همسرنوشتی ها خود آن را به سرانجام برسانند. حلقه مفقودی بین مبارزه طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان که همیشه گم یا حذف گردیده. به طور یقین مشارکت زنان در این عرصه میتواند سهم بزرگی را برای تحمیل کردن این جنبش به جامعه ایفا کند، بایک نگاه اجمالی به فعالیت تشکل های فعالین کارگری در این سالها و عدم حضور زنان در سوخت و ساز این تشکلهای بدون در نظر گرفتن کارایی و عدم کارایی و مرتبط یا بی ربط بودن به طبقه کارگر دالیست بر این ادعا. زنان و خانواده های کارگری دوش به دوش کارگران در جریان اعتصابات و تحصن ها و اعتراض به دستگیری و سرکوب رهبران و فعالین کارگری همیشه تاثیر ارزنده ای داشته اند اما کماکان خود همیشه در حاشیه قرار داده شده اند و این نیز از یک نظر برمیگردد به نبودن این امر برای چنین تشکلهای که زنان نیز در این عرصه تصمیم گیرنده و تعیین کننده باشند. فعال کارگری که در جریان برگزاری اول ماه مه بر سر تشکیل کمیته اول ماه مه معترض است به عضو بودن زنان در این کمیته، معترض است به حضور زنان در مقام تصمیم گیرنده برای تشکلهای کارگری معلوم است که جنبش زنان و مطالبات آنها برایش جای در مبارزاتش ندارد و کماکان سرکوب میشود. جنبشی که نتواند تمام پدیدهها و معضلات مربوط به زنان را در خود احاطه کند و نسبت به کارگر زن تن فروشی که برای امرار معاش از جسم و روان خود نیرو میگذارد، به زنی خانه داری که بودن هیچ حقوقی کار میکند و کماکان مفت خورو مصرف کننده ای بیش لقب نمیگیرد، به زن کارگری که در





**زنان سرپرست خانوار  
مژگان حاصلی**

اما براساس آخرین سر - شماری‌های انجام شده در سال ۹۰ دومیون و ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که از این میان تنها ۱۸ درصد این زنان شاغل و ۸۲ درصد آنها بیکار هستند. اما نکته قابل توجه این است که بنا بر آمار اعلام شده از سوی سازمان آمارکشور، بیشتر این زنان از گروه افراد میانسال هستند.

بنا بر شواهد موجود شرایط زندگی با وجود افزایش بحران‌های اقتصادی و معضلات اجتماعی در سالهای گذشته بر تعداد این گونه خانواده‌ها افزوده، اما نباید فراموش کرد که به دلایل گوناگون اغلب این خانواده‌ها نیز در شرایط دشوار اقتصادی قرار دارند که منجر به قرار گرفتن آنها در زیر خط فقر می‌شود.

اما به طور کلی از علل گوناگون در شدت یافتن مشکلات اقتصادی در این گونه خانواده‌ها می‌توان موارد زیر را بر شمرده: - در اغلب خانوارها سرپرستی مرد امکان اشتغال زن نیز بطور همزمان وجود دارد و از سوی دیگر مسوولیت زن در انجام امور خانه ممکن است که بطور مشترک تقسیم شود. اما در خانواده‌هایی که تنها با سرپرستی زنان اداره می‌شود اغلب مسوولیت‌های امور خانه و درآمدزایی به عهده یک نفر است؛ و این شرایطی را بوجود می‌آورد که زنان را مجبور می‌کند که ساعات اشتغال خود را کم کرده و به اشتغال پاره وقت و یا کار در منزل با درآمدی ناچیز راضی شوند.

- نبود سیستم کنترل دقیق بر استخدام‌های کارگاه‌ها و برخی از مراکز و شرکت‌ها یا کارخانه‌هایی که نیروی کار آنها را اغلب زنان تشکیل می‌دهند، چرا که در این مراکز بیشتر از زنان بعنوان نیروی کار بیخطر با ساعات کاری بالا و حقوق اندک و حتی در بسیاری از موارد بدون بیمه و مزایای کارگری سودجویی می‌شود.

- عدم وجود مهارت‌های فنی و شغلی در میان زنان سرپرست خانوار بخصوص زنانی که در طول زندگی پیش بینی چنین شرایطی را نداشتند و ناگهان در موقعیتی دشوار قرار می‌گیرند، آنها را ناچار به پذیرش کارهای بیشتر با درآمد کمتر می‌کند.

- و از همه مهم تر نبود سازمان‌ها و قوانین منسجم حمایتی، اجتماعی و درمانی از مواردی است که اینگونه خانواده‌ها را همواره با مشکلات بسیاری روبرو ساخته است.

اما نکته قابل توجه درباره افزایش زنان سرپرست خانوار این است که درصد بالایی از این زنان از تحصیلات بالایی برخوردار نبوده و یا حتی مهارت و حرفه خاصی ندارند و از حمایت خانواده نیز محروم می‌باشند. به همین دلیل، میزان آسیب پذیری آنها افزایش می‌یابد و پرواضح است که این عوامل به افزایش آسیب‌های اجتماعی نیز دامن می‌زند.

بنا بر آمارهای سازمان بهزیستی، سالانه شصت هزار زن سرپرست خانوار به این گروه از خانواده‌ها افزوده می‌شود و بنا به اظهار بسیاری از کارشناسان هم اکنون افزایش زنان سرپرست خانوار در کشور به مرز هشدار رسیده و این مساله باید برای افرادی که تصدی امور جامعه را بر عهده دارند به عنوان زنگ خطری باشد، چرا که با توجه به شرایط کنونی تا چند سال آینده، آمار این زنان به بیش از پنج میلیون نفر خواهد رسید.

بنا بر این گزارش، هم اکنون آمار طلاق در برخی شهرهای بزرگ مانند تهران، به مرز ۳۰ درصد رسیده است و با پایین آمدن سن طلاق به تبع آن سن زنان سرپرست خانوار نیز کاهش یافته است و نقطه آغازین، متأسفانه به زنان ۲۵ ساله رسیده است.

و از سوی دیگر بسیاری از زنان هستند که در سنین بالا حتی تا ۶۵ سالگی ناگهان مسوولیت

سرپرستی خانواده به تنهایی بر دوششان نهاده می‌شود. اما در کنار تمام این موارد زمانی که با این گونه زنان همکلام می‌شویم دل پر درد آنها جدا از دشواری‌های اقتصادی سخن از ناملایمت‌های اجتماعی بسیاری نیز دارد.

رنجی که ابتدا از افراد جامعه و نوع نگاه آنها شروع می‌شود، و سرآغاز دشواری‌های یک زن تنها را در جامعه‌ی بسته و با فرهنگ‌های متفاوت نشان می‌دهد، فردی که می‌بایست با انواع رفتارها و در بسیاری از موارد با شرایطی نه چندان دوستانه روبرو شود.

در چنین جامعه‌ای چه بسیار از زنانی هستند که همواره از اندیشه و نگاه نادرست دیگران هر لحظه در معرض ناراحتی و آسیب روحی قرار دارند، شدت این مساله تا به حدی است که بارها رسانه‌های داخلی ناچار به انتشار برخی از آزارهای عینی و پیشنهادات نادرست به این زنان در محیط‌های اجتماعی و حتی ادارات دولتی شده‌اند.

یافتن و اجاره منزل نیز یکی دیگر از این موارد است؛ اغلب صاحبخانه‌ها به زنان تنها خانه اجاره نمی‌دهند و این حتی در برخی از ساختمانهای مسکونی جزو شروط اساسنامه‌های داخلی محسوب می‌شود.

اما تمامی این نکات آنجا نمود پیدا می‌کند که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، در اغلب کشورها از حقوق برابر و امکانات حمایت اجتماعی برای سرپرستی فرزندان و گذران زندگی خود برخوردارند.

این شرایط به آنان اطمینان و آرامشی می‌دهد که شدت صدمات عاطفی و روحی را نیز به حداقل کاهش می‌دهد، اما زنان ایرانی هنگامی در اثر ناملایمات زندگی شخصی و اجتماعی قرار می‌گیرند باید یک تنه زره آهنین بر تن کرده

**ادامه در صفحه ی 13**

ایران، نامی که روزگاری تداعی کننده علم و هنر و فرهنگ در جهان بود این روزها تداعی کننده حقایقی چون تحریم، گرانی فقر، شکنجه، زندان و اعدام و... میباشد. این روزها خبری از ایران نمی شنویم که به این واژه ها مزین نباشد. حاکمان رژیم اسلامی این روزها برای حفظ حاکمیت ننگین خود بر ایران از جان ایرانیان مایه میگذارند و آثار تحریمهایی که بر ایران تحمیل شده است تنها متوجه مردم بی دفاع ایران میباشد که بازپچه قدرت طلبی سیری ناپذیر این فرومایگان شده است. تولید بنزین سرطان زای داخلی فاقد استانداردهای بین المللی، کمبود داروهای اساسی چون داروهای بیهوشی و مسائلی از این دست مشکلاتی نیستند که همانند گرانی و تورم باصوبوری و فئاعت مردم ایران بتوان با آنها کنار آمد این مسائل جان مردم را تهدید میکند.

ساکنان سرزمین وسیعی که دارای منابع غنی از معادن نفت و گاز و دیگر ثروتهای ملی میباشد به چه دلیل بایستی دچار چنین شرایطی شوند؟ گناه مردم ایران چیست؟ آیا این تاوان همان انقلابی است که در سال ۵۷ به امید آزادی از استبداد و خودکامگی کردند؟ انقلابی که نتیجه اش تقدیم ایران عزیز به همین کسانی شد که امروزه آن را به این ذلت کشانده اند.

مسئول اینهمه انزوا و عقب ماندگی چیست؟ پرواضح است که ایران کنونی دستاورد ندانمکاری ها و سوء مدیریتهای مسئولان جمهوری اسلامی و در رأس آنها رهبر رژیم خامنه ای است، اما من تقصیر اصلی را متوجه خامنه ای میبینم چراکه او حتی فراتر از قانون اساسی همه امور مملکت و ملت را در ید قدرت خود گرفته و بر همه مسئولان کشوری و لشکری تسلط مطلق دارد تا جایی که برای تداوم رهبری اش مقوله ای به اسم نظارت استصوابی را در انتخابات مجلس خیرگان باب کرد تا مبادا نماینده ای مستقل و منتقد به مجلس خیرگان راه یابد و به ساحت رهبری و خطاهای او معترض شود و بدین ترتیب هیچکس در مملکت ۷۵ میلیونی جرأت و حق اعتراض و انتقاد از او را ندارد و او یکه تاز این میدان وسیع است.

خامنه ای بزرگترین مقصر است زیرا تحریمهایی که امروز ایران را به ورطه نابودی کشانده است نتیجه شعارگویی ها و ندانم کاریهای همان رئیس جمهوری است که خامنه ای در سال ۸۸ به قیمت خون جوانان ایران او را به این مقام منصوب کرد و برای دفاع از او در مقابل اکثریت ملت ایران ایستاد، رئیس جمهور محبوب رهبر که نتیجه عملکردش قرار دادن ایران در معرض خطر تهاجم خارجی است که ممکن است مملکت را به سرنوشت عراق و افغانستان دچار کند و صدها هزار قربانی به جای بگذارد.

مرگ بردیکتاتور  
مرگ بر رهبر نالایق ایران؛ خامنه ای



سیروان فتاحی

در ایران کنونی کشور ما از تبعیض های زیادی مثل تبعیض جنسیتی، دینی، قومی و... رنج میبرد. در این کشور فقط باید ابتدا شیعه بود، مرد بود، طرفدار ولایت فقیه بود تا بتوانی از یک زندگی نرمال و انسانی برخوردار شد.

زنها بطور مشخص حقوق و قدرت زیادی نسبت به مردان نداشته و همیشه باید زندگی خود را تابع متغیرات مردها قرار دهند تا بتوانند به بقای خود در جامعه ادامه دهند. آنها نمیتوانند مثل مردها به مقام ها و موقعیت های بالای اجتماعی دست یابند و یا به شکل طبیعی و قانونی در عرصه های مختلف اجتماعی با آنها رقابت سالم داشته باشند. منظور این است که نه فرهنگ جامعه و نه حکومت سرکوبگر آخوندها چنین امکانی را برای آنها مهیا کرده است. در واقع ما دارای یک حکومت زن ستیز بوده که به لطف الحیل سعی در کنترل و منقاد کردن زنها دارد.

از لحاظ دینی که وضع خیلی بدتر و وحشتناکتر از وضعیت جنسیتی جامعه است. این رژیم خود را نماینده شیعه و دارای تضاد خیلی زیادی با جامعه اهل سنت بوده چون اهل سنت را منحرف از اسلام واقعی و تفکر شیعی را تنها و بهترین نماینده اسلام میدانند. در واقع اقلیت های دینی مثل مسیحی ها، یهودیها و زردتشتی ها با توجه به جمعیت خیلی کم آنها از حقوق خیلی بیشتری نسبت به اهل سنت برخوردار بوده که بخش خیلی بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند.

ما کردها هم بعلت سنی بودن از همان ابتدا شکل گرفتن این رژیم مورد سرکوب، کشتار و انواع و اقسام تبعیضات قومی، زبانی، دینی و جنسیتی قرار گرفته و میگیریم.

آنها نه تنها از حقوق ما دفاع نمیکند بلکه تا جایی که بتوانند ما را سرکوب و تحقیر میکنند. ما کردها در واقع حتی شهروند درجه دوم هم بحساب نیامده و حتی برای شرکت در امور سیاسی، اقتصادی و دینی جامعه نداریم. در واقع اعمال ضد انسانی این رژیم باعث شده که ما کردها حس تعلق خود را نسبت به ایرانی بودن خود از دست داده و خود را زائده ئی جدا از پیکر کلی کشور بحساب آوریم. علت این مسئله هم این است که در این کشور هیچی حقوقی انسانی حتی در سطوح ابتدائی را به ما نمیدهد و به ما توجه ئی نمیکند. حتی در سطوح پائین و برای مصاحبه های شغلی هم اگر کسی بگوید که سنی بوده از استخدام او صرف نظر میکنند. جامعه کردستان ایران کنونی از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جنسیتی و اجتماعی از کمبودهای بسیار زیادی نسبت به باقی استانهای کشور بسر برده و این رژیم هم نه تنها در جهت کمک و تغییر در این شرایط دهشتناک برای ما کردها قدمی برنداشته بلکه برعکس سعی در متلاشی کردن بینانهای اجتماعی، قومی و دینی ما کردها دارد.



ایران و فرق بین انسانها

سحر بابا سلجی



**در دفاع از حق کودکی، هم صدا و هم گام در دفاع از حق کودکان دختر، نه به تبعیض، نه به کودک آزاری!**

در جهان آشفته-ی ما، همسرک-های عروسک به دست بر سرسفره-ی عقد می-نشینند. آمار کودک همسری در ایران بالا می-رود، آمار زن آزاری و کودک آزاری در جهان. در پاکستان و هندوستان درملاء عام با حضور مردان خانواده، به جرم پا فراتر گذاشتن از مرزهای طبقاتی، سنتی و مذهبی، به کودکان زیر هجده سال تجاوز می-شود؛ کودکان به نام زن و همسر توسط همسران پدران و برداران کشته می-شوند؛ قتل-های ناموسی کماکان قربانی می-گیرد.

در ایران، نازک-آراهای تن، شاخه گل-های نازک و تُرد در چرخ دنده-های بی رحم سرمایه پر پر می-شوند و نهال-های بسیاری به شکوفه ننشسته، جوهر شادی و کودکی-شان در جشن «شکوفه-های مفعنه به سر» و «جشن تکلیف»، زن شدن دخترچه-های هشت ساله، می-خشکد و فردای رستن-شان سترون می-شود.

زن و مردان آزادی-خواه و مبارز، تلاش-گران و فعالان جنبش مطالبات زنان! هشت مارس امسال با کمپین علیه بی حقوقی کودکان در ایران هم صدا شوید. رفع تبعیض از کودکان دختر و لغو قوانینی که مستقیماً در تضاد با ذات کودکی قرار می-گیرد، یکی از موانع عملی پیش-روی جنبش مطالبات زنان را می-تواند و می-باید که از میان بردارد.

امضای طومار علیه بی حقوقی کودکان در ایران تنها یک گام از یک رژه-ی طولانی علیه این جنایت آشکار و پدوفیلیسم رسمی است. با گذاردن نام-تان، نام تشکل-تان در پای این طومار، به شادی شنیدن قدم-های شاد کودکانه در حال رفتن به مدرسه، به عوض جان کوچک کاهیدن پای سفره-ی عقد، و در دخمه-های نمور کار، در مزارع و کارخانه و کارگاه، کمک کنید./

**زنده باد هشتم مارس!  
زنده باد کودکی!**

www.darvag.com

### خرافات یکی از عوامل اصلی که باعث ویرانی ایران شده

خرافات، جمع خرافه، به معنای عادات و عقایدی است که برخلاف عقل و منطق و علم باشد خرافات و دین، مانعی برای رشد خرد و اندیشه انسان‌ها به حساب می‌آیند و باعث دوری آنها از مسیر سعادت و کمال می‌شوند. بسیاری از ستمگران تاریخ برای تحکیم قدرتشان، از طریق ترویج خرافات دینی بین مردم، اهداف خود را دنبال می‌کردند، آنها می‌دانستند تسلط بر مردمی که به جای عقل، دنباله‌روی اوهام و خرافات هستند، از طریق خرافات دینی آسان‌تر می‌توان مردم رو غل و زنجیرکرد اما خوشبختانه یا بلعکس مردم ایران کنونی دین زده شده اند حتی اکثر اینهایی که در خارج خاک ایران مسیحی شدن اکثراً حضرت عباسی های دیروز بودن که از روی ناچاری حالا قسمشون «خوابشون تا قبل رفع حاجت «عیسی مسیح شده ولی زمانی به مراد دلشون می رسند نه عیسی رو میشناسند نه محمد . سریعاً یک سفر به ایران تشریف می برند یعنی اکثر ایرانیها فقط خرشون از پل بگذره دیگه نه به فکر ایرانند نه ایرانی.

در پایان مطلب رو اینچور به اتمام میرسونم که همیشه یک عده برای پیشبرد هدفشون دست به هر کاری، حيله گری و دروغی می زنند از خرافات دینی، بر خلاف عقل و منطق انسانهای نادان سود می جویند پس در قرن ۲۱ جایی برای خرافات از هر نوعی دینی، جادو، فال و دعا..... باقی نگذاریم.



نیما موسوی

به امید روزی که تمام ایران به عقل، دانش و علم پناه ببرند آن روز، روزه پیروزی ایران می باشد «البته نظر شخصی من به عنوان یک جوان هرایرانی که از جهنم آخوندیسم فرار یا مهاجرت کرده حق دریافت اقامت داره و خود ایرانی بودن کیس هست» زیرا حکومت جمهوری اسلامی ایران به معنی واقعی نه جمهوریست نه اسلامیسست و نه ایرانیست./

### زنان سرپرست خانوار- ادامه ی صفحه 11

و به ستیز همه مشکلات بروند، مبارزه نابرابری که همواره در تیررس قضاوت های تند یک جامعه منجمد نیز قرار دارد. در میان انبوه ناملایمتی ها اما قدرت زنان در کنار هم همواره توانسته نقش های برجسته ای در سراسر دنیا به جا بگذارد. فارغ از هر وابستگی درکنار هم با قدرت و مشارکت اجتماعی، تمرکز به توانمندی ها و تشکیل سازمانی برای اقدامات اقتصادی می تواند راهگشای بسیاری از کمبودها شود.

نیرو و اتحادی که آنها را در برابر گره های سخت قوانین زن ستیز نیز مفید فایده خواهد بود./

## جهان زن: طرح دورکاری رژیم اسلامی برابر است با خانه نشین کردن زنان!

### تصمیم‌های ناپخته دولتها برای زنان شاغل / سرنوشت نامعلوم طرح دورکاری زنان- نرگس محمدی

مهر: دورکاری کارمندان از طرحهای پرحاشیه دولت دهم بود که از زمان تصویب و ابلاغ آن به دستگاههای دولتی موافقان و مخالفان بسیاری داشت و در نهایت در دولت یازدهم لغو شد. در این میان موضوع لغو بخشنامه دورکاری زنان شاغل نیز از جمله تصمیماتی بود که انتقاداتی به همراه داشت. هرچند که معاون امور زنان رئیس جمهور می‌گوید بخشنامه لغو نشده و تنها برای اجرای صحیح آن نیازمند بررسی بیشتر هستیم.

به گزارش خبرنگار مهر، موضوع کار کردن زنان در بیرون از خانه در ایران همواره محل مناقشه و بحث بوده است. برخی بر این عقیده اند زنان نقش پررنگی در استحکام خانواده دارند و کار کردن آنها در بیرون از خانه عاملی برای سست شدن بنیان خانواده است. در مقابل این دیدگاه نیز برخی براین باورند که نیمی از جمعیت کشور را زنانی تشکیل می‌دهند که در سالهای اخیر پا به عرصه های علمی و دانشگاهی گذاشته و پس از کسب تحصیلات لازم به دنیای کار و اشتغال در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی وارد شدند.

چندی پیش در دوره دولت طرحی با عنوان دورکاری به تصویب رسید. وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه ۳۰ خرداد ماه سال ۸۹ و بنا به پیشنهاد چهارم خرداد همان سال معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با هدف افزایش بهره‌وری، انعطاف کاری و کاهش حجم رفت و آمد کارمندان دولت و اثرات جانبی آن، آئین نامه دورکاری را تصویب کردند. بر اساس مفاد ماده ۴ آیین‌نامه دورکاری، وزرای عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک تصویب کردند که در طرح دورکاری کارمندان دولت با توجه به ضرورت ملاحظه اقتضانات، حق تقدم و اولویت استفاده از این طرح با زنان کارمند به ویژه مادرانی است که فرزند خردسال یا معلول دارند و خود یا اعضای خانواده آنان با بیماری‌های خاص مواجهند. بر اساس این مصوبه، در صورت وجود چند کارمند واجد شرایط متقاضی دورکاری، افراد معلول و زنان باردار یا دارای فرزند کمتر از شش سال از اولویت برخوردار خواهند بود. این مصوبه در زمان خود حاشیه های بسیاری از سوی موافقان و مخالفان بسیاری داشت.

### ابطال بخشنامه دورکاری زنان در دولت یازدهم

با روی کار آمدن دولت یازدهم، اما مسئولان تصمیم به ابطال مصوبه سال 89 دولت دهم گرفتند و در نهایت در دک ماه 92 مصوبه دورکاری زنان شاغل از سوی دولت لغو شد. لغو این بخشنامه نیز حاشیه هایی را به همراه داشت، تا آنجا که مشاوران استاندار تهران اعلام کرد: بسیاری از زنان استان تهران در نامه ای خطاب به استاندار خواستار اجرایی شدن مصوبه دورکاری شدند. به گفته آذر نظری در حال حاضر زنان 44 ساعت در هفته کار می کنند، اما با احتساب ساعات رفت و آمد به محل کار می توان گفت که آنها در هفته 64 ساعت مشغول به کار هستند و روزانه 4 ساعت از وقت آنها در ترافیک پایتخت هدر می رود. به همین دلیل زنان شاغل استان نامه های بسیاری را به استاندار و دفتر مشاوره زنان استانداری مبنی بر کاهش ساعات کاری زنان فرستاده اند که با توجه به افزایش نارضایتی ها، مکاتبات لازم با معاونت زنان ریاست جمهوری انجام شده است.

به اعتقاد او، ترافیک در کلانشهری همچون تهران سرسام آور است. با توجه به تعطیل شدن ادارات دولتی و خصوصی راس ساعت 16، در این ساعت شاهد ترافیک سنگین در نقاط مختلف شهر هستیم و این برای زنان شاغل که فرزند شیرخوار و یا دانش آموز دارند، بسیار سخت است و بهتر است ساعت کاری زنان حداقل یک تا دو ساعت در روز کاهش یابد.

او با بیان اینکه مخالف ابطال بخشنامه دورکاری زنان است، توضیحات خود را تکمیل می کند: «اجرای طرح دور کاری برای زنان نیز ضروری به نظر می رسد. درخواست ما این است که دولت یازدهم در موارد استثنایی این طرح را برای زنان اجرا کند، چرا که برخی از زنان فرزند و همسر بیمار دارند و مجبورند فعالیتهای اجتماعی و کاری خود را از داخل منزل انجام دهند که امیدواریم در این زمینه ها نیز مساعدت لازم انجام شوند.

امکان اجرای طرح دورکاری در ایران وجود ندارد از دیگر سو توران ولی مراد دبیر ائتلاف اسلامی زنان از مخالفان اجرای طرح دورکاری در دولت دهم بود و با ابراز خرسندی از ابطال این طرح می گوید: «اجرای طرح دورکاری زنان از جمله طرحهای کاریکاتوری دولت گذشته بوده است که بدون برنامه ریزی و فراهم کردن زیرساختهای لازم، درصدد تضعیف استقلال اقتصادی و مالی زنان و حذف آنها از اجتماع، اجرا شد».

به اعتقاد او، امکان اجرای طرح دورکاری در ایران وجود ندارد، برای اجرای یک طرح باید زیرساختهای لازم ایجاد شود. به عنوان مثال برای دورکاری باید اینترنت کشور به شکل ویژه ای تعریف شود تا امکان ارسال اطلاعات به سرعت فراهم شود. از سوی دیگر هم باید سازو کاری تعریف شود که جایگاه و امنیت شغلی زنان به خطر نیفتد. اما هیچکدام از تمهیدات لازم برای اجرای طرح دورکاری اندیشیده نشد و برای مدت 4 سال دولت در تلاش برای حضور کمرنگ زنان در جامعه بود که خوشبختانه این طرح از سوی دولت یازدهم باطل اعلام شد.

او به جنبه دیگری از کار کردن زنان اشاره می کند و می گوید: «شرایط اقتصادی خانواده ها به شکلی است که زنان باید دوشادوش مرد کار کنند، اما از دیگر سو مرد حاضر نیست در کارهای خانه به همسر خود کمک کند و این در حقیقت نوعی نابرابری زن و مرد است. در حقیقت مرد می خواهد زن بخشی از هزینه های خانواده را به دوش بکشد و از دیگر سو استقلال مالی نداشته باشد. اگر قرار است طرح دورکاری اجرا شود، باید هم برای زنان باشدو هم مردان و درحقیقت افراد باتوجه به شرایط زندگی شان، خودمسئور آینده شغلی شان را انتخاب کنند».

### بخشنامه دورکاری زنان لغو نشده است

در شرایطی که دولت بخشنامه دورکاری زنان را ملغی اعلام کرده بود، اظهارنظر شهیندخت مولاوردی معاون زنان رئیس جمهور قابل توجه است. او پس از موضع گیری مخالفان و موافقان اعلام کرد: بخشنامه لغو نشده است و تنها برای بررسی روش های اجرای صحیح طرح دورکاری فعلاً اجرا نمی شود. او معتقد است: اجرای طرح دورکاری به شکل گذشته دارای اشکال و ایراداتی بود، دولت اجرای بخشنامه آن را به لغو کرده تا راهکارهای جدید برای اجرای دوباره آن بررسی شود.

مولاوردی حتی در آخرین اظهار نظرش به خبرنگار مهر توضیح می دهد که معاونت امور زنان مخالف با لغو کامل بخشنامه طرح دورکاری زنان بود به همین دلیل قرار شد تا نحوه اجرای این بخشنامه به شکل گذشته لغو و راهکارهای اجرای صحیح آن بررسی شود. در کمیسیون اجتماعی دولت طرح دورکاری زنان در دست بررسی و مطالعه است تا بتوان زیرساختهای لازم را برای اجرای صحیح آن فراهم کرد؛ چراکه اجرای طرح دورکاری در دولت گذشته دارای اشکالاتی بوده که باید همه آنها برطرف شود.

به گفته وی، طرح دورکاری از جمله طرحهایی است که در دنیا و عصر مدرن نمی توان آن را نادیده گرفت، اما زنان شاغل باید تا زمان ابلاغ بخشنامه جدید و تدوین نحوه اجرای صحیح آن سعه صدر داشته باشند.

طرح دورکاری در بسیاری از کشورهای دنیا برای افراد با شرایط خاص اجرا می شود، با این تفاوت که جایگاه و امنیت شغلی این افراد اعم از زن یا مرد به هیچ عنوان به خطر نمی افتد و چنانچه افراد درصدد بازگشت به شغل خود در محیط کاری باشند، جایگاه و مرتبه شغلی شان تغییر نمی کند. به نظر می رسد که اجرای طرح دورکاری در ایران تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارد و مهر ابطال دولت یازدهم روی این بخشنامه به همین دلیل بوده است. اکنون باید منتظر ماند و دید دولتی که اعتدال و میانه روی را سرلوحه برنامه های خود قرار داده است، می تواند با ایجاد زیرساخت ها و شرایط لازم، امکان اجرای طرح دورکاری را برای زنان شاغل به ویژه زنانی که مشکلاتی همچون فرزند یا همسر معلول دارند فراهم کند.





### گزارشی تکان دهنده از خرید و فروش کودکان در دروازه غار تهران

در محله دروازه غار تهران بازاری مانند والاستریت وجود دارد، با این تفاوت که "این جا با بچه تجارت می کنند". کودکانی که از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان خرید و فروش می شوند.

روزنامه "اعتماد" در گزارشی با عنوان "بازار بچه فروشان" که سه شنبه ۲۹ بهمن در این روزنامه منتشر شده، به خرید و فروش گسترده کودکان در "دروازه غار" تهران اشاره کرده است. در این گزارش آمده این بازار مانند والاستریت است، با این تفاوت که این جا با بچه تجارت می کنند.

مسعود یک مددکار اجتماعی که در دروازه غار کار می کند به "روزنامه اعتماد" گفته است که سال گذشته در این محله خانه‌ای را یافته که حدود ۴۰ تا ۵۰ کودک در آن نگهداری می شدند.

این مددکار اجتماعی درباره این خانه گفته: «هر روز صبح عده‌ای می آمدند و این کودکان را اجاره می کردند و دوباره آخر شب آن‌ها را برمی گرداندند».

"از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان"، قیمت کودکانی است که بنا بر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می شوند. در این گزارش آمده است: «اینجا دروازه غار است، ناف تهران. سوار مترو که شوی، کمتر از یک ساعت به ایستگاه شوش می رسی و چند قدم پیاده که بیایی جایی سردر می آوری که انسانیت دود شده و به هوا رفته است. صبح‌ها خلوت و شب‌ها از زمین بچه می جوشد. نه عاشق می شوند نه کودکی می کنند. وقتی به سن دوازده، سیزده سالگی می رسند باید ازدواج کنند و بچه دار شوند، این چرخه زندگی کودکان برده است. ازدواج این بچه‌ها هیچ جایی ثبت نمی شود، نامشان جایی ثبت نمی شود. گویا روح هستند. برده‌هایی که فقط برای کار زاپیده شده‌اند».

### «رونق بازار خرید و فروش کودکان متکدی در پایتخت»

آنطور که در این گزارش آمده از این کودکان برای کار کردن استفاده می شود. در ادامه این گزارش درباره این کودکان کار آمده: «آن‌ها از صبح کار می کنند تا شب تا پدر و مادرهای جعلی یا پدر و مادرهای خودشان با خیال راحت مواد بکشند. کارگرانی که اگر خوب کار کنند، خریداران فراوانی دارند».

در همین زمینه رضا جهانگیری فر "معاون توسعه خدمات اجتماعی شهرداری تهران" با تایید خرید و فروش کودکان برای گدایی گفته: «برای گدایی نیاز است عواطف طرف مقابل را تحریک کرد و کسانی که از این راه سود می برند برای کسب درآمد بیشتر جنسیت گدایی را به سمت زنان برده اند. مردم به زنان نیازمند بیش از مردان نیازمند کمک می کنند. همچنین به کودکان بیش از بزرگسالان. بنابراین سن کودکان متکدی هم کاهش یافته است و از نوجوانی **به سنین کودکی رسیده است**».

آمارهای غیررسمی تعداد کودکان کار را در ایران ۷ میلیون نفر تخمین می زنند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تقریباً دو سال پیش تعداد کودکان کار در ایران را ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرده بود

### کودکان کار و زنگ خطر ایدز

رئیس مرکز تحقیقات ایدز در ایران، آمار کودکان کار مبتلا به هیپاتیت و ایدز را "وحشتناک" دانسته است. مینو محرز می گوید، آن چه وزارت بهداشت از ابتلا به ایدز در سطح کشور اعلام می کند با آنچه ما می بینیم تفاوت دارد. (06.01.2014)



### اعتراض فعالان حقوق زنان و کودکان در عراق

مدافعان حقوق زنان و کودکان در عراق به تصویب پیش نویس قانون جدید خانواده این کشور که سن ازدواج دختران را از ۱۸ سال به ۹ سال کاهش می دهد، اعتراض دارند.

در این پیش‌نویس که موارد تبعیض آمیز دیگری نیز علیه زنان وجود دارد، سن ازدواج دختران به ۹ سال کاهش می یابد. طبق قانون جدید در صورت طلاق، حق حضانت فرزند غیربالغ به ویژه اگر بالای دو سال سن داشته باشد فوراً و بدون اما و اگر به پدر تعلق می گیرد. همچنین مرد حق دارد که در همه حالات خواهان رابطه جنسی با زن شود، حتی اگر او مایل نباشد. علاوه بر این قانون جدید ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان را ممنوع کرده است. گفتنی است که این پیش‌نویس پس از انتخابات پارلمانی ماه آینده میلادی عراق در پارلمان به بحث گذاشته خواهد شد.

## برای همکاری با سازمان رهائی زن می‌توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس : 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا : **مینو همتی**

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

استکهلم : سوئد: **بری زارع**

تلفن تماس : 0046762308064

**رعنا کریم زاده**

تلفن تماس : 0046739286842

آدرس : ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد : **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ : **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس : 004915210189801

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)



تلويزيون رهائی زن از "گانال یک" روی ماهواره "ملت برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت

تهران و بازه‌نخ، شنبه 17:30 به وقت تهران می‌توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

میوه‌ستی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و مشکلات زنان در ایران و خارج از

ایران را با میهمانان برنامه بحث میگذارد.